

# تدوین و اعتباریابی الگوی بومی منزلت معلمان در نظام آموزش و پرورش ایران - رویکرد ترکیبی

دکتر مهدی محمدی\*

دکتر قاسم سلیمی\*\*

طاهره دری\*\*\*

## چکیده

هدف این پژوهش ارائه و تدوین الگوی بومی منزلت معلمان در نظام آموزش و پرورش کشور بود. روش پژوهش ترکیبی اکتشافی دو مرحله ای از نوع ابزارسازی بود. روش پژوهش در مرحله کیفی، مطالعه موردی کیفی و مشارکت کنندگان بالقوه شامل معلمان با تجربه آموزش و پرورش بودند. رویکرد نمونه‌گیری، هدفمند و روش نمونه‌گیری صاحب‌نظران کلیدی بود. گردآوری اطلاعات تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. ابزار پژوهش، مصاحبه عمیق نیمه‌ساختمند بود و تحلیل مضمون در این بخش، دو مضمون فراگیر منزلت درونی و بیرونی، چهار مضمون سازمان‌دهنده باور و اندیشه معلم در مورد منزلت معلمی و باور و اندیشه وی در مورد رفتار و عملکرد جامعه (درونی) و باور و اندیشه جامعه نسبت به منزلت معلمی و رفتار و عملکرد جامعه نسبت به معلم (بیرونی) و شصت و نه مضمون پایه را درباره منزلت معلمان کشف نمود. در بخش کمی روش تحقیق توصیفی - پیمایشی بود و جامعه آماری شامل معلمان نواحی چهارگانه شهر شیراز بودند که برای اعتباریابی الگو، با استفاده از رویکرد نمونه‌گیری هدفمند و روش صاحب‌نظران کلیدی، ۵۵ نفر انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در بخش کمی، مقیاس محقق ساخته بر اساس شبکه مضامین بخش کیفی بود. تحلیل بخش کمی با تحلیل عامل تاییدی برای تعیین اعتبار الگو انجام شد. نتایج بخش کمی با استفاده از تحلیل عامل مرتبه اول و دوم نشان داد که الگوی بومی منزلت معلم دارای روایی سازه است.

## کلید واژگان: الگوی ایرانی- اسلامی، منزلت معلمان

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۶

\* دانشیار، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

\*\* استادیار، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز

\*\*\* کارشناس ارشد مدیریت آموزش از پردیس بین الملل دانشگاه شیراز

m48r52@gmail.com

salimi.shu@gmail.com

tahere.dorri@gmail.com

## مقدمه

بسیاری از کشورهای جهان، نقش معلم در توسعه پایدار را به خوبی درک کرده‌اند و با فراهم آوردن شرایط مناسب، منزلت بالایی را برای این حرفه تدارک دیده‌اند. برای مثال، در کشورهای اروپایی، حرفه معلمی منزلت اجتماعی رو به بالایی دارد. در کشورهای گوناگون، هر شغل منزلت ویژه خود را دارد و مردم هر کشور می‌توانند مشاغلی با منزلت بالا یا پایین را از هم تشخیص دهند (کاظمی پور، ۱۳۸۳). همچنین بعد اجتماعی پایگاه، منزلت شغلی نامیده می‌شود که پایگاه اجتماعی افراد یک سازمان را نشان می‌دهد (میچل، ۱۳۸۳). از آنجایی که شخصیت معلم متغیری مهم در کلاس درس است، بنابراین توجه به ارتقای جایگاه معلمان باید در اولویت فعالیتهای آموزش و پرورش قرار بگیرد. از طرفی هم نقش معلمان باید به منزله منابع انسانی یک کشور به خوبی درک شود و با فراهم آوردن شرایط مناسب منزلت بالایی برای این حرفه تدارک دیده شود (علیزاده و رضایی، ۱۳۸۸). اما مطالعات نشان می‌دهد که جامعه ایرانی اعتبار بالایی برای حرفه معلمی قائل نیست و حمایت‌های اندکی در این مسیر صورت گرفته است (قاسمی‌نژاد و اسماعیلی، ۱۳۸۳؛ افلاکی فرد، ۱۳۸۰). در بررسی‌های انجام شده در ایران، برخی محققان مناسبات شخصی، کمک به دیگران، برخورداری متقابل از روابط انسانی و التفات مردم را به عنوان عوامل مثبت منزلت (نویدی و برزگر، ۱۳۸۲) و برخی برآورده نشدن نیازهای مالی، التفات اندک والدین، پایین بودن ارزش اجتماعی و بی‌توجهی جامعه به زحمات معلمان را به عنوان عوامل منفی منزلت معلمان (رضوانی، ۱۳۷۳) ذکر نموده‌اند. در حالی که در جامعه ایرانی - اسلامی و با توجه به آموزه‌های موجود این جایگاه باید تعدیل و در مورد مفهوم منزلت بازناندیشی شود. اهمیت موضوع مورد بحث به این سبب است که منزلت اجتماعی و حرفه‌ای معلمان در امر تدریس به طور مستقیم با کیفیت آموزش در هر کشوری رابطه دارد (جهانگیر شاه، ارشادعلی و ایتبارخان<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲).

در گفتمان روزمره، واژه‌هایی چون منزلت، شأن، عزت نفس و احترام تقریباً مترادف با هم استفاده می‌شوند. منزلت به عنوان نفوذ، اعتبار، اعتماد و محبوبیت برگرفته از ویژگیها، دستاوردها و انجمنها تعریف شده است درحالی که جایگاه به عنوان موقعیت و رتبه حرفه‌ای در جامعه تعریف شده است. منزلت هر شغل، چگونگی رفتار متقابل و انتظارات جامعه را از شاغلان تعیین می‌کند و آنان را در ساخت‌دهی به تعامل‌های اجتماعی یاری می‌رساند. هویل<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) که برای طولانی مدت بر منزلت معلمان و حرفه‌ای کردن آنان مطالعه کرده است، استدلال می‌کند که باید یک واژه شناسی

1. Jehangir Shah, Arshad Ali, & Itabar Khan

2. Hoyle

سازگار اتخاذ شود تا منزلت، شأن و عزت نفس را در حکم اجزای جداگانه منزلت به رسمیت بشناسد. تعاریف هویل (۲۰۰۱) عبارت اند از: منزلت حرفه‌ای<sup>۱</sup>: ادراک عمومی از موقعیت نسبی یک حرفه در سلسله مراتب مشاغل. شأن حرفه‌ای<sup>۲</sup>: طبقه‌بندی منزلت که گروه‌های آگاه به یک حرفه اختصاص می‌دهند. برای مثال آیا گروه‌های آگاه مانند سیاستمداران، کارمندان دولت و دانشمندان علوم اجتماعی به تدریس به مثابه یک حرفه می‌نگرند یا نه؟ عزت نفس شغلی<sup>۳</sup> شامل توجه عمومی به یک حرفه به سبب کیفیت شخصی افراد شاغل در آن حرفه است و اینکه این افراد به چه میزان، خودشان را محور انجام وظایف مرتبط با آن شغل می‌دانند. درباره اهمیت منزلت همین بس که بدانیم معلمان مسئول ایجاد رشد شناختی فراگیران و فراهم کردن نسل جدید برای روبه‌رو شدن با چالش‌های آینده اند. این در حالی است که بعضی از معلمان ممکن است بیان کنند که این فعالیتهای مهم دارای منزلت بالا و احترام و پاداش قابل توجه درون جامعه است اما همان طور که می‌توان دید همیشه این چنین نیست: درحالی که معلمان بعضی کشورها از حقوق بالا و شرایط کار راحت برخوردارند، در جایی دیگر معلمان باید برای امرار معاش دو شغل داشته باشند یا اینکه ماهها حقوقی دریافت نکرده باشند (هارگریوز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹). این باور در جامعه وجود دارد که بیشتر افرادی که شغل آنها معلمی است، در سایر مشاغل موفق نبوده اند یا سرمایه لازم را برای فعالیتهای تجاری نداشته اند. در چنین شرایطی، تعجب آور نیست که فارغ التحصیلان و جوانان این حرفه را دوست ندارند. این موقعیت سبب عدم تمایل افراد باهوش و با استعداد به حرفه معلمی می‌شود و در نتیجه به کاهش کیفیت آموزش و پرورش می‌انجامد و در نهایت سبب شکست نظام آموزشی و خروجی نامناسب خواهد می‌شود.

هارگریوز و همکاران (۲۰۰۷) افکار عمومی درباره معلمان، آموزش و منزلت معلمان را با هدف نظارت بر تغییر ادراک از منزلت معلمان طی سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ مورد بررسی قرار داده اند. هدف از این مطالعه این بوده است که ببینند چگونه افکار عمومی در این سه سال درباره منزلت معلمان تغییر کرده است. قدرت خاص نهفته مجموعه ای از دیدگاهها درباره منزلت که از افراد خارج از سیستم گرفته شده است و افکار عمومی نیز آن را تایید می‌کند، به علاوه نظرات گروه‌های مرتبط با آموزش مانند دستیاران تدریس، والدین و متولیان امر آموزش که دارای بینش خاصی درباره منزلت معلمان هستند، منجر به درک معلمان درباره منزلت خودشان می‌گردد. این

- 
1. Occupational prestige
  2. Occupational status
  3. Occupational esteem
  4. Hargreaves

نظرسنجی دربارهٔ منزلت معلمان در گروه‌های زیر انجام شده است: نظرسنجی عمومی، بررسی رسانه، بررسی معلم به صورت انفرادی، بررسی گروه‌های همکار، بررسی اولیه معلمان کارآموز. به عنوان مثال در نظرسنجی عمومی از پاسخ دهندگان خواسته شد تا مشاغلی را که به منزلت اجتماعی معلمان ابتدایی و متوسطه و معلم ناظران ابتدایی و متوسطه شبیه است با ذکر دلیل انتخاب کنند. همچنین از آنها خواسته شد تا سه مورد را بیان کنند که درمورد فعالیت‌های آموزش به ذهنشان می‌رسد و دربارهٔ اینکه تا چه حد آموزش حرفه‌ای جذاب است، نظر دهند. یافته‌های اصلی به دست آمده از مصاحبه‌های چهره به چهره با افراد بالای ۱۶ سال نشان داد که ۵۰ درصد از شرکت کنندگان حرفهٔ معلمی را حرفه‌ای جذاب می‌پندارند. افرادی که نگرش منفی به امر آموزش دارند کنترل کردن کلاس و دستمزد را از مهمترین دلایل این نگرش منفی می‌دانند. نگرشها به منزلت معلمان هم مثبت است و هم منفی، اما اغلب افراد بالای ۵۵ سال، بیشتر نگرش منفی داشتند. موقعیت اجتماعی معلمان مدارس ابتدایی و متوسطه در حدود ۴۰ درصد به مددکاران اجتماعی تشبیه شده است. منزلت اجتماعی معلمان ناظر ابتدایی و متوسطه، در حدود ۳۰ درصد مشابه مشاوران مدیریت و در حدود ۱۰ درصد مشابه پزشکان در نظر گرفته شده است. سه برداشت عمومی از فعالیت تدریس شامل، آموزش، مسئولیت دانش آموزان، و کنترل کلاس است. بیشتر افراد زیر ۲۵ سال به فعالیت‌هایی مانند آماده کردن دروس و آماده کردن دانش آموزان برای زندگی در آینده اشاره کرده اند و افراد بالای ۵۵ سال بیشتر به مواردی مانند کنترل کردن کلاس و مواجهه با رفتارهای گوناگون اشاره می‌کنند. در داخل کشور پژوهش‌های بسیار اندکی دربارهٔ منزلت معلمان صورت گرفته است.

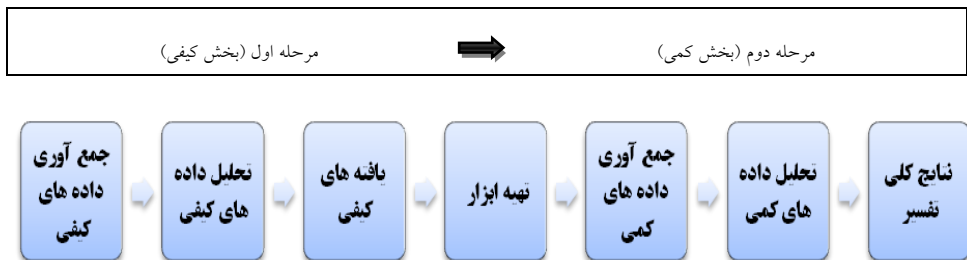
علیزاده و رضایی (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) و تغییرات آن در طول سه دهه گذشته پرداخته اند. نتایج پژوهش آنان نشان داده است که از دیدگاه شهروندان تهرانی، حرفه معلمی منزلت اجتماعی متوسط رو به بالا دارد و این جایگاه تحت تأثیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان نیست. مطالعه روند منزلت اجتماعی حرفه معلمی نشان می‌دهد که جایگاه این حرفه در دوره ای سی ساله، رو به کاهش بوده است. لذا براساس مباحث مطرح شده، پژوهش حاضر درصدد است تا با توجه به اهمیت منزلت معلمان در فرهنگ ایرانی- اسلامی و جایگاه آنان در تربیت فراگیران و پاسخگویی به نیازهای آموزشی کشور به ارائه و تدوین الگوی بومی منزلت معلمان بپردازد تا از این طریق گامی موثر در ارتقای جایگاه

و منزلت معلمان در جامعه بردارد. از این رو سوالات پژوهش در دو بخش کیفی و کمی ارائه شده است:

- بخش کیفی: معلمان چگونه احساس منزلت می کنند؟
- بخش کمی: آیا الگوی منزلت معلمان دارای اعتبار و پایایی است؟

### روش پژوهش

با توجه اینکه هدف پژوهش حاضر مطالعه عمیق منزلت معلمان و ارائه و اعتباریابی الگوی بومی منزلت معلمان است، طرح آن از طرحهای ترکیبی است و روش آن، با توجه به اینکه از قبل الگویی وجود نداشته و پژوهشگر درصدد کشف این الگو بوده است، از مدل‌های ترکیبی اکتشافی متوالی (کیفی - کمی) است و چون در پی ساخت ابزاری برای سنجش منزلت معلمان بر اساس داده های بخش کیفی است، از نوع اکتشافی متوالی - ابزار سازی<sup>۱</sup> (کرسول و پلانو کلارک، ۲۰۰۷) است. از این رو ابتدا روش شناسی و تحلیل بخش کیفی و سپس روش شناسی و تحلیل بخش کمی تحقیق به تفکیک ارائه می شود و در بخش نتیجه گیری، نتایج به دست آمده در هر دو بخش با هم ادغام و ارائه خواهد شد.



شکل ۱: فرآیند تحقیق ترکیبی اکتشافی متوالی از نوع ابزارسازی (اقتباس از کرسول و پلانوکلارک، ۲۰۰۷)

### الف) روش شناسی بخش کیفی

روش پژوهش در بخش کیفی مطالعه موردی کیفی است و مشارکت کنندگان پژوهش معلمان با تجربه آموزش و پرورش در نواحی چهارگانه شهر شیراز هستند. با بهره گیری از روش نمونه گیری هدفمند و تکنیک اشباع نظری، آگاهی دهندگان کلیدی (شامل ۳۰ نفر از معلمان) برای شناسایی عوامل مؤثر در تعیین منزلت معلمان انتخاب شده اند و با آنها مصاحبه به عمل آمده است. ابزار مورد استفاده برای شناسایی عوامل مؤثر در منزلت معلمان و ارائه و تدوین الگوی بومی منزلت معلمان، مصاحبه نیمه ساختمند (با گروههای کانونی) و مطالعه اسناد بوده است. برای

1. Sequential exploratory mixed method- Instrument development  
2. Creswell & Plano Clark

اعتباریابی نتایج بخش کیفی از دو تکنیک تأییدپذیری و قابلیت اعتماد بهره‌گیری شده که به این منظور روش همسوسازی داده‌ها<sup>۱</sup> (بررسی میزان تناسب اطلاعات مستخرج از ۱. مبانی نظری و اصول زیر بنایی مربوط به منزلت معلمان و ۲. پژوهشهای انجام شده در حوزه منزلت معلمان با ۳. مضامین مستخرج از مصاحبه با افراد کانونی و به عبارت دیگر آگاهی دهندگان کلیدی) به کار رفته است. برای اخذ مجوز مورد نیاز برای انجام دادن مصاحبه با افراد کانونی، اقداماتی صورت گرفت که در این بخش پس از جلب همکاری صاحب نظران کلیدی برای مصاحبه و جلب اعتماد آنان برای دادن اطلاعات لازم، در زمان مقرر مراجعه و اطلاعات لازم گردآوری شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌های انجام شده، با روش تحلیل مضمون<sup>۲</sup> انجام گرفته است.

### یافته‌های بخش کیفی

با استفاده از روش تحلیل مضمون ابتدا مصاحبه‌های ضبط شده به صورت مکتوب درآمده سپس با یادداشتهای برداشته شده طی جلسات مصاحبه‌ها تکمیل شده است. پس از آن با مطالعه دقیق متون، ابتدا برای هر یک از مصاحبه‌های تهیه شده، همه ایده‌های مستقل در قالب مضامین پایه (واقف بودن به توانمندی، ماندگاری به شرط انضباط کاری و حرفه‌ای، درک حساسیت شغلی، منزلت درونی است، تعارض میان رسمیت و صمیمیت با دانش آموزان و...) شناسایی شده و به هر کدام یک کد اختصاص داده شده است. این کار برای هر کدام از مصاحبه‌ها، انجام شده و در صورت وجود بخشهایی با مضامین مشابه در متن مصاحبه‌های قبلی، از همان کدهای قبلی، به عنوان نشانگر آنها استفاده شده است. سپس بر اساس مضامین پایه شناسایی شده در کل پژوهش، دسته‌بندی کلی‌تری انجام شده که منجر به شناسایی مضامین سازمان دهنده (باور و اندیشه و رفتار و عملکرد جامعه) و در واقع عوامل مؤثر در منزلت معلمان شده است. در پایان مضامین فراگیر منزلت معلمان با طبقه‌بندی مضامین سازمان‌دهنده ایجاد گردیده است (جدول شماره ۱).

1. Data Triangulation  
2. Thematic analysis

جدول ۱: مضامین فراگیر مربوط به منزلت معلمان

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
<p>خودباوری نسبت به شایستگیهای خود واقف بودن به توانمندی ماندگاری به شرط انضباط کاری و حرفه‌ای درک حساسیت شغلی منزلت درونی است تعارض میان رسمیت و صمیمیت با دانش آموزان بهبود مستمر کیفیت آموزش شغل معلمی یعنی اعتبار و احترام عزت نفس درونی عشق به تدریس معلمی یعنی جایگاه و مقام دغدغه اقتصادی</p>	<p>باور و اندیشه</p>	
<p>غلبه بر استرس شغلی مسئولیت پذیری پرهیز از شکستن حریمها مانند افراط در تدریس خصوصی پاسخگویی معلم انضباط حرفه‌ای تعادل شرایط کاری و حرفه‌ای پیشرفت مستمر توجه به کرامت انسانی دانش آموزان، همکاران و اولیا ارتباط سازنده با نسل کنونی در جستجوی الگوهای معلمی ارتباط مؤثر با دیگران اخلاق خوب معلم دانش علمی عدم استفاده از تجارب و مستند سازی دانش خلاقیت معلم در برنامه‌های درسی عدم توجه به زبان علم توانمندسازی و توسعه حرفه‌ای انگیزه شخصی و فردی امکانات، حقوق و مزایا کلاسهای خصوصی نگاه تطبیقی به سایر مشاغل جاذبه بیش از دافعه در ارتقای منزلت تعهد و مسئولیت پذیری اسوه و نمونه بودن کاربردی نمودن حرفه معلمی پرهیز از بی اخلاقی بی اخلاقی معلمان ویژگیهای ظاهری و آراستگی شخصیت سالم</p>	<p>رفتار و عملکرد جامعه</p>	<p>درونی</p>

مضامین فرآگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
بیرونی	باور و اندیشه	عزت نفس سازمانی دخالت مدیران و در نتیجه کاهش منزلت معلمان حاکمیت دیدگاه ابزاری بر درک توانایی فرآیندها باور جامعه به اینکه معلم تنها انتقال دهنده فرهنگ نیست تأثیرگذاری نقش معلمی در جامعه ذهنیت جامعه نگاه جامعه به معلم و نقش معلمی نگاه برتر جامعه به برخی از مشاغل
	رفتار و عملکرد جامعه	قدردانی شاگرد دپروز قدردانی جامعه از معلم امنیت شغلی و اقتصادی تاسیس مدارس غیرانتفاعی کنترل بیش از حد جامعه بی اخلاقی در مدارس برنامه‌های درسی و محتوای کتب تمرکز گرایی و وحدت رویه توجه به شایسته سالاری جایگاه اقتصادی معلمان در جامعه عدالت فردی و سازمانی توزیع امکانات و عدالت سازمانی قدردانی جامعه از معلم ورود به شغل معلمی بدون داشتن استانداردها زیرساختها یاری رسان ارتقای جایگاه توجه از سوی جامعه احترام از سوی دیگران رتبه بندی معلمان

بر اساس تحلیلهای انجام شده ، شبکه مضامین منزلت معلمان بر اساس عوامل مؤثر بر منزلت در شکل شماره ۲ نمایش داده شده است.



از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع نمونه‌گیری در دسترس، ۳۰ معلم انتخاب شدند. مقیاس تدوین شده، ابزار به دست آمده از بخش تحلیل داده‌های کیفی بود که در اختیار ۳۰ نفر از معلمان نواحی چهارگانه شهر شیراز قرار گرفت و روایی و پایایی آن محاسبه شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و سنجش روایی و پایایی از روشهای تحلیل عامل تاییدی مرتبه اول و دوم و تحلیل گویه و برای سنجش پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد.

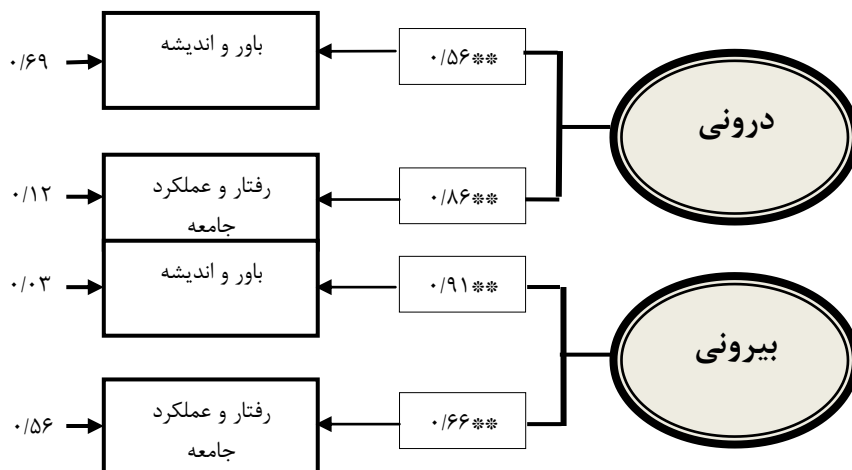
### یافته‌های بخش کمی

روایی و پایایی هر یک از مضامین منزلت معلمان با روش تحلیل عامل تاییدی و آلفای کرونباخ محاسبه شد. براساس نتایج گزارش شده در جدول شماره ۲ روایی هر یک از مضامین منزلت معلمان [باور و اندیشه و رفتار و عملکرد جامعه(درونی)، باور و اندیشه و رفتار و عملکرد جامعه(بیرونی)] با روش تحلیل عامل تاییدی محاسبه شد. با توجه به ضریب همبستگی به دست آمده، هر یک از مضامین پایه از روایی بالایی برخوردار بود به جز گویه‌های غلبه بر استرس شغلی و پرهیز از شکستن حریمها مانند افراط در تدریس خصوصی که به دلیل عدم روایی مناسب حذف گردید. همچنین به منظور سنجش پایایی مضامین سازمان دهنده از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج نشان می‌دهد هر یک از مضامین پایه از پایایی نسبتاً بالایی برخوردار است.

جدول ۲: روایی و پایایی مضامین سازمان دهنده منزلت معلمان

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	طیف ضرائب همبستگی	سطح معناداری	آلفای کرونباخ
درونی	باور و اندیشه	۰/۴۰-۰/۶۷	۰/۰۰۲-۰/۰۰۱	۰/۸۳
	رفتار و عملکرد جامعه	۰/۲۸-۰/۶۸	۰/۰۰۳-۰/۰۰۱	۰/۸۵
بیرونی	باور و اندیشه	۰/۳۴-۰/۸۳	۰/۰۱-۰/۰۰۱	۰/۷۰
	رفتار و عملکرد جامعه	۰/۲۹-۰/۸۴	۰/۰۲-۰/۰۰۱	۰/۹۳

نتایج حاصل از تحلیل عامل تاییدی نشان داد که هر یک از مضامین سازمان دهنده از روایی بالایی برای تبیین الگوی اسلامی - ایرانی منزلت معلمان برخوردار است. به این ترتیب باور و اندیشه درونی با بار عاملی ۰/۵۶، رفتار و عملکرد جامعه درونی با بار عاملی ۰/۸۶، باور و اندیشه بیرونی با بار عاملی ۰/۹۱ و رفتار و عملکرد جامعه بیرونی با بار عاملی ۰/۶۶ چارچوب الگوی اسلامی - ایرانی منزلت معلمان را تبیین می‌کنند. شکل شماره ۳ بار عاملی مضامین سازمان دهنده در چارچوب الگوی اسلامی - ایرانی منزلت معلمان را نشان می‌دهد.



شکل ۳: تحلیل عامل مرتبه اول مضامین سازمان دهنده الگوی اسلامی - ایرانی منزلت معلمان

همچنین نتایج تحلیل عامل تاییدی برای هر یک از مضامین پایه موجود در چارچوب الگوی بومی منزلت معلمان نشان داد که برای اولین مضمون یعنی باور و اندیشه درونی، مضمون احساس منزلت درونی با بار عاملی ۰/۷۱ بیشترین قدرت تبیین را دارد و خودباوری نسبت به شایستگیهای خود با بار عاملی ۰/۵۳، واقف بودن به توانمندی با بار عاملی ۰/۵۱، ماندگاری به شرط نظم و انضباط کاری و حرفه‌ای با بار عاملی ۰/۴۷، درک حساسیت شغلی با بار عاملی ۰/۴۷، تعارض میان رسمیت شغلی و رابطه دوستانه با دانش آموزان با بار عاملی ۰/۴۹، تاکید بر بهبود مستمر کیفیت آموزش با بار عاملی ۰/۵۷، ذات شغل معلمی یعنی اعتبار و احترام با بار عاملی ۰/۵۶، عزت نفس درونی با بار عاملی ۰/۶۹، عشق به تدریس با بار عاملی ۰/۵۴، شغل معلمی یعنی جایگاه و مقام اجتماعی با بار عاملی ۰/۵۸ و دغدغه اقتصادی با بار عاملی ۰/۴۶، نیز تبیین کننده این مضمون هستند.

در مورد مضمون پایه رفتار و عملکرد درونی، مضمون پیشرفت مستمر با بار عاملی ۰/۸۳ بیشترین قدرت تبیین را دارد و مسئولیت پذیری با بار عاملی ۰/۴۳، پاسخگویی معلم با بار عاملی ۰/۴۷، انضباط حرفه‌ای با بار عاملی ۰/۴۲، تعادل شرایط کاری و حرفه‌ای با بار عاملی ۰/۶۴، توجه به کرامت انسانی دانش آموزان، همکاران و اولیا با بار عاملی ۰/۴۴، ارتباط سازنده با نسل کنونی با بار عاملی ۰/۵۷، در جستجوی الگوهای معلمی با بار عاملی ۰/۶۱، ارتباط مؤثر با دیگران با بار عاملی ۰/۶۱، اخلاق خوب معلم با بار عاملی ۰/۴۶، دانش علمی با بار عاملی ۰/۵۱، نقش

خلاقیت در تدوین محتوای کتابهای درسی با بار عاملی ۰/۴۲، توانمندسازی و توسعه حرفه‌ای با بار عاملی ۰/۶۷، انگیزه شخصی و فردی با بار عاملی ۰/۶۲، امکانات، حقوق و مزایا با بار عاملی ۰/۳۵، جاذبه بیش از دافعه در ارتقای منزلت با بار عاملی ۰/۵۸، تعهد و مسئولیت پذیری با بار عاملی ۰/۶۵، اسوه و نمونه بودن با بار عاملی ۰/۶۶، کاربردی نمودن حرفه معلم با بار عاملی ۰/۴۱، ویژگیهای ظاهری و آراستگی با بار عاملی ۰/۵۴ و شخصیت سالم با بار عاملی ۰/۴۱، نیز تبیین کننده این مضمون اند. شایان ذکر است که استرس مدام شغلی با بار عاملی ۰/۰۴، پرهیز از شکستن حریمها (مانند افراط در تدریس خصوصی) با بار عاملی ۰/۰۷، عدم استفاده از تجارب و مستندسازی دانش با بار عاملی ۰/۱۰، عدم توجه به زبان علم با بار عاملی ۰/۰۲، تجارت با کلاسهای خصوصی با بار عاملی ۰/۲۴، مقایسه با سایر مشاغل با بار عاملی ۰/۲۰ و پرهیز از بی‌اخلاقی با بار عاملی ۰/۱۲، تبیین کننده این مضمون نبودند و از چارچوب الگوی بومی منزلت معلمان حذف شدند. در زمینه مضمون پایه باور و اندیشه بیرونی نیز نتایج تحلیل عامل نشان داد که ذهنیت جامعه با بار عاملی ۰/۹۲، بیشترین قدرت تبیین را دارد و عزت نفس سازمانی با بار عاملی ۰/۳۸، باور جامعه به اینکه معلم تنها انتقال دهنده فرهنگ نیست با بار عاملی ۰/۳۱، تأثیرگذاری نقش معلمی در جامعه با بار عاملی ۰/۳۹، نگاه جامعه به معلم و نقش معلمی با بار عاملی ۰/۹۰، تبیین کننده این مهارت هستند.

گفتنی است که دخالت مدیران و در نتیجه کاهش منزلت معلمان با بار عاملی ۰/۱۶، حاکمیت دیدگاه ابزاری بر درک توانایی فرآیندها با بار عاملی ۰/۲۹ و نگاه برتر جامعه به برخی از مشاغل با بار عاملی ۰/۱۶، تبیین کننده این مضمون نبودند و از چارچوب الگوی بومی منزلت معلمان حذف شدند. در مورد مضمون پایه رفتار و عملکرد بیرونی، مضمون توزیع امکانات و عدالت سازمانی با بار عاملی ۰/۹۳ بیشترین قدرت تبیین را دارد و قدردانی شاگردان دیروز با بار عاملی ۰/۴۲، قدردانی جامعه از معلم با بار عاملی ۰/۷۷، امنیت شغلی و اقتصادی با بار عاملی ۰/۷۱، کنترل بیش از حد جامعه با بار عاملی ۰/۳۶، برنامه های درسی و محتوای کتب با بار عاملی ۰/۳۳، تمرکز گرایی و وحدت رویه با بار عاملی ۰/۴۵، رتبه بندی معلمان با بار عاملی ۰/۶۷، توجه به شایسته سالاری با بار عاملی ۰/۷۳، جایگاه اقتصادی معلمان در جامعه با بار عاملی ۰/۷۶، عدالت فردی و سازمانی با بار عاملی ۰/۸۵، قدردانی جامعه از معلم با بار عاملی ۰/۹۲، ورود به شغل معلمی بدون داشتن استانداردها با بار عاملی ۰/۵۳، زیرساختها یاری رسان ارتقای جایگاه معلم با بار عاملی ۰/۸۴، توجه از سوی جامعه با بار عاملی ۰/۸۷، احترام از سوی دیگران با بار عاملی ۰/۷۱، رتبه بندی معلمان با

بار عاملی ۰/۵۸ و توجه به شایسته سالاری با بار عاملی ۰/۵۵، نیز تبیین کننده این مضمون هستند. تاسیس مدارس غیرانتفاعی با بار عاملی ۰/۱۶ و بی اخلاقی در مدارس با بار عاملی ۰/۱۱، تبیین کننده این مضمون نبودند و از چارچوب الگوی بومی منزلت معلمان حذف شدند.

### بحث و نتیجه گیری

منزلت معلم یکی از موضوعات بسیار اساسی است که باید هنگام بررسی مسائل نظام آموزشی در نظر گرفته شود. منزلت درک شده معلمان به منزله شاخص چگونگی ارزش گذاری آموزش در یک جامعه و ارزش کل آن عمل می کند. افزون بر این، برداشت ما از معلمان دارای تاثیری بر چگونگی عملکرد نظام آموزشی، مسئولیت و اعتماد ما نسبت به معلمان و چگونگی اصلاح نظام آموزشی ماست (فو و وانگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). مضامین مطرح شده در الگوی بومی منزلت معلمان، به گونه ای کافی و متناسب برای تبیین الگوی مورد نظر شناسایی شدند و الگوی طراحی شده، قابلیت توصیف و تبیین منزلت معلمان، را داراست. هارگریوز و همکاران (۲۰۰۷)، سرمد، کریم زاده و کولیوند (۱۳۹۰)، علیزاده و رضایی (۱۳۸۸) و نویدی و برزگر (۱۳۸۲) نیز در پژوهشهای خود به این نکته اشاره کرده اند. در الگوی طراحی شده، منزلت به مثابه نفوذ، اعتبار، اعتماد و محبوبیت برگرفته از ویژگیها، دستاوردها و انجمنها تعریف شده است. مضامین سازمان دهنده مربوط به منزلت معلمان، عبارت اند از: باور و اندیشه و رفتار و عملکرد جامعه. یکی از عوامل مؤثر بر منزلت معلمان، عامل درونی بود. تأثیرات حاصل از عوامل درونی بسیاری از عوامل مؤثر بر منزلت معلمان را شکل می دهد. عوامل و مضامین مرتبط با مضمون سازمان دهنده باور و اندیشه درونی به آن دسته از کیفیتهای شخصی و رفتار معلمان اشاره دارد که تعیین کننده منزلت اجتماعی وی می باشند. خودباوری معلم، واقف بودن به توانمندی خود، منزلت درونی، اعتبار و احترام، عزت نفس درونی، جایگاه و مقام از مضامین پایه ای هستند که بر اساس مضامین سازمان دهنده شکل می گیرند. به عبارت دیگر می توان اذعان داشت که منزلت اجتماعی پدیده ای پیچیده است، وقتی که این عوامل باهم ترکیب می شوند منجر به تعیین منزلت معلمان می شوند. هر حرفه آن چیزی است که اعضایش آن را می سازند. اگر اعضا اعتماد به نفسشان را بالا نگه دارند و از تعلق خاطر به چنین شغلی احساس غرور کنند، محافظ منافع و استانداردهای خودشان خواهند بود. همچنین اگر منزلت درونی داشته باشند می توانند در جامعه نیز از منزلت بالایی برخوردار شوند. به عنوان مثال، غرور حرفه ای، آن چیزی است که معلمان درباره حرفه خود احساس می کنند و به بالابردن منزلت

آنان کمک می کند. بر اساس اظهارنظر نمونه پژوهش حاضر، زمانی معلم احساس خودباوری می کند که باور داشته باشد از جایگاهی بالا برخوردار است اما شواهد مبنی بر آن است که که خیلی از معلمان خودشان را باور ندارند و به عزت نفس نرسیده اند تا جامعه هم بخواهد به آنها احترام بگذارد. به عبارت دیگر منزلت چیزی درونی است و تا زمانی که معلمان شأن و منزلت خود را باور و قبول نداشته باشند نمی توان انتظار خودباوری و به تناسب آن افزایش شأن و منزلت آنها را داشت. بنابراین، کمبود سطح خودآگاهی معلمان متناسب با اهمیت شغلی، جایگاه اجتماعی و منزلتی خود یکی از مهم ترین عواملی است که بر شکل گیری منزلت آنها تأثیر می گذارد. همچنین واقف بودن به توانمندی از عوامل بسیار مؤثر بر منزلت است، از این رو معلم باید به تدریس و موضوع مورد تدریس، عشق و علاقه داشته باشد تا آموزش او همراه با شور و شوق باشد و از کار با دانش آموزان لذت ببرد.

از دیگر مضامین سازمان دهنده باور و اندیشه درونی، مضمون پایه بهبود مستمر کیفیت آموزش است. در این زمینه می توان اظهار کرد معلم کسی است که همیشه احساس نیاز به یادگیری و فراگیری مطالب جدید داشته باشد و مطالعات خود را پس از کسب مدرک تحصیلی متوقف نکند. یکی دیگر از مضامین پایه، ماندگاری به شرط انضباط کاری و حرفه ای می باشد. این مضمون از عوامل مهم تأثیرگذار بر کیفیت آموزش و یادگیری دانش آموزان است. برنامه ها و اقدامات حمایتی معلمان، پیامدهای گوناگون دارند که مهم ترین آنها، تداوم خدمت با انگیزه و تمایل برای تلاش بیشتر در جهت تحقق یافتن اهداف آموزش و پرورش است. عدم توجه به تمایلات و انگیزه های معلمان، سبب ماندگاری بدون انگیزه آنان می شود که با واژه هایی مانند ریزش، مهاجرت، انتقال و جابه جایی درآمیخته است و مشاهده و تکرار آنها عدم تمایل به ماندگاری در حرفه معلمی را نشان می دهد (اینگرسول و مریل<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). چنانچه زمینه ها و شرایط لازم برای افزایش و تقویت انگیزه های ماندگاری معلمان فراهم شود، نه تنها سبب افزایش بهره وری سازمانی می گردد، بلکه از پیامدهای منفی کاهش آن نیز جلوگیری می شود. کارکنانی که میل به ماندگاری با انگیزه نداشته باشند، بیشتر احساس نارضایتی می کنند، اغلب دوست دارند که از شغل خود فاصله بگیرند و غالباً غیبت یا تأخیر دارند و گاهی همزمان به مشاغل دیگر، اشتغال دارند. از این گذشته تمایل به همکاری در سایر زمینه های آموزشی و پرورشی ندارند. تمایل به ماندگاری در میان معلمان، نه تنها کارایی و اثربخشی را افزایش می دهد، بلکه سبب پایین آمدن نرخ غیبت، جابه جایی، تأخیر و

کم‌کاری می‌شود (میر و آلن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷). مضمونی که در این قسمت باید به عنوان یک مضمون مهم از آن یاد کرد، دغدغه اقتصادی است. لازم است بازسازی منزلت اجتماعی و افزایش سطح رفاه و بهره‌مندی آنها و افزایش جاذبه‌ها و انگیزه‌ها برای انتخاب معلمی در حکم یک حرفه مقدس در نظر گرفته شود. حتی حقوق یک معلم باید بیشتر از سایر کارگزاران حکومتی باشد. بر اساس اظهار نظر معلمان (نمونه پژوهش) اکنون مشکل اصلی معلمان «وضعیت رفاهی، معیشتی و اقتصادی» است و برای رفع این مشکلات نیاز به عزم و همت ملی داریم زیرا این قشر نجیب، فرهیخته و آگاه سازندگان هویت ملی کشورمان هستند.

بر اساس باور برخی از معلمان جایگاه و مقام از عواملی هستند که بر منزلت آنان اثر می‌گذراند. در میان نهادها و ساختارهای اجتماعی، آموزش و پرورش، اولویت و اهمیت بیشتری دارد و در درون این نهاد، اولویت اول باید معلمان باشند، زیرا کارگزار اصلی تعلیم و تربیت معلم است و اهداف متعالی نظام تعلیم و تربیت با معلم تحقق می‌پذیرد (مهرمحمدی، ۱۳۷۹). از نظر وانپیل و کوک، برای بررسی نظام آموزشی یک کشور کافی است ببینیم معلم در درون نظام آموزشی آن چه وضعیتی دارد، زیرا اعتبار یک نظام آموزشی به اعتبار مقام معلم آن نظام وابسته است (به نقل از قاسمی‌نژاد و اسماعیلی، ۱۳۸۳). در مضمون سازمان دهنده درونی رفتار و عملکرد جامعه می‌توان به مضامین پایه غلبه بر استرس شغلی، مسئولیت‌پذیری، پرهیز از شکستن حریمها به مانند افراط در تدریس خصوصی، پاسخگویی معلم، انضباط حرفه‌ای، تعادل شرایط کاری و حرفه‌ای، پیشرفت مستمر، کرامت انسانی دانش‌آموزان، همکاران و اولیا، ارتباط سازنده با نسل کنونی، جستجوی الگوهای معلمی، برقراری ارتباط مؤثر با دیگران، اخلاق خوب معلم، دانش علمی، عدم استفاده از تجارب و مستندسازی دانش، خلاقیت معلم در برنامه‌های درسی، عدم توجه به زبان علم، توانمندسازی و توسعه حرفه‌ای، انگیزه شخصی و فردی، امکانات، حقوق و مزایا، کلاسهای خصوصی، نگاه تطبیقی به سایر مشاغل، جاذبه بیش از دافعه در ارتقای منزلت، تعهد و مسئولیت‌پذیری، اسوه و نمونه بودن، کاربردی نمودن حرفه‌ای معلم، پرهیز از بی‌اخلاقی، بی‌اخلاقی معلمان، ویژگیهای ظاهری و آراستگی و شخصیت سالم اشاره نمود. معلمان نقشی اساسی در ارتقای سلامت روانی دانش‌آموزان به عهده دارند.

از طرفی تدریس حرفه‌ای پیچیده و دارای ابعاد متعدد است. معلمان برای داشتن انرژی و اشتیاق به کار نیازمند حفظ تعهد شخصی نسبت به شغلشان هستند (دی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). درباره احساس

1. Meyer & Allen  
2. Day

تعهد معلمان، در پژوهشها دو نوع تعهد مورد بررسی قرار گرفته است: "تعهد سازمانی" و "تعهد شخصی". تعهد سازمانی بر رفتارها و باورهای مرتبط با خوب بودن فرد در جامعه (مودی، استیرز و پورتر<sup>۱</sup>، ۱۹۷۹) و تعهد شخصی بر باورها و عملکردها در سازمان مدرسه، حرفه معلمی و دانش آموزان تأکید دارد (الیوت و کراسول<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲). وولفولک، هوی، هوی و کِرز<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) از تعهد شخصی تحت عنوان "رفتار فردی مسئولیت پذیری" نام برده‌اند که رفتارهای داوطلبانه، توأم با بصیرت و فراتر از وظایف رسمی و حرفه‌ای تدریس معلم را توصیف می‌کند. مطالعات والسترم و لوئیس (۲۰۰۸؛ به نقل از مک‌کوچ و کلبرت<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰) نشان می‌دهد که فراهم کردن فرصتهای بیشتر برای فعالیتهای مشارکتی معلمان به منظور رسیدن به اهداف اصلاحی تعلیم و تربیت حائز اهمیت بسیار است. بنابراین در این مورد به طور کلی می‌توان گفت که تعهد معلمان به کارشان عاملی مهم در تعیین منزلت اجتماعی معلمان است که جامعه، والدین و دانش آموزانشان به آنها نسبت می‌دهند.

از نظر برخی از معلمان شرکت کننده در پژوهش حاضر، منزلت یعنی توانمندسازی و توسعه حرفه‌ای. به عبارت دیگر برای معلمان باید دوره‌های آموزشی مناسب قبل و ضمن خدمت با ویژگیهای اثربخشی، خلاقیت و نوآوری برگزار شود و از آخرین و مناسب ترین تکنیکها و فناوریها در زمینه آموزش معلمان بیشترین بهره‌گیری به عمل آید؛ مثلاً، آموزش از راه دور. آموزش از راه دور فرصتهایی گسترده را پیش روی آنان قرار می‌دهد. همچنین تعلیم و تربیت مردان و زنان توانمند آینده (کودکان و نوجوانان فعلی) به معلمانی با انگیزه و کارآمد نیاز دارد (علیزاده و رضایی، ۱۳۸۸). مضمون امکانات، حقوق و مزایا از دیگر مضامینی است که به منزله اولویت برخی از معلمان در تعیین منزلت آنها مطرح شد. حقوق و دستمزد و سطح درآمد نیز اغلب به مثابه شاخصهای کلیدی منزلت استفاده می‌شوند، معمولاً مرتبط با رتبه بندی اجتماعی و حرفه‌ای درک شده و در نتیجه بیش قابل سنجش نسبت به منزلت معلمان طرح می‌شود. به عبارت دیگر در توجیه این یافته می‌توان گفت که تسهیلات خوب بی شک می‌تواند منزلت ذهنی معلمان نسبت به خودشان را افزایش دهد همان طور که مشارکت در تحقیق و ارائه اولیه و مداوم توسعه حرفه‌ای برای همکاران می‌تواند منزلت ذهنی را افزایش دهد. به همین ترتیب، تأمین مالی برای دستیابی به مدارک تحصیلی بالاتر، یا ارائه چالشهای حرفه‌ای قابل توجه با حمایت از رهبران مدارس

1. Mowday, Steers & Porter
2. Elliot & Crosswell
3. Woolfolk Hoy, Hoy & Kurz
4. McCoach & Colbert

کارآفرینی منزلت ذهنی افزایش می‌یابد. بنابراین علاوه بر حقوق بالا و شواهد مبتنی بر اعتماد دولت، معلمان احساس کردند که اگر آگاهی بیشتر مردم و سیاست‌گذاران از جنبه‌های اساسی حرفه آنان افزایش یابد، منزلت آنان بهبود خواهد یافت (هارگریوز، ۲۰۰۹).

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر منزلت معلمان در الگوی طراحی شده، مضمون فراگیر بیرونی است. از میان آنها می‌توان به عزت نفس سازمانی، دخالت مدیران و در نتیجه کاهش منزلت معلمان، حاکمیت دیدگاه ابزاری بر درک توانایی فرآیندها، باور جامعه به اینکه معلم تنها انتقال دهنده فرهنگ نیست، تأثیرگذاری نقش معلمی در جامعه، ذهنیت جامعه، نگاه جامعه به معلم و نقش معلمی، و نگاه برتر جامعه به برخی از مشاغل اشاره نمود. یک روش دیگر پرداختن به منزلت معلمان، توجه به عزت نفس سازمانی آنان است که شامل توجه عمومی به یک حرفه به سبب کیفیتهای شخصی اعضایش است و این که چقدر اعضا خودشان را مرکز وظایف بدانند. همچنین، منزلت از دیدگاه برخی از معلمان عبارت از عزت نفس سازمانی است. قبول شأن و منزلت معلم در سازمان و وزارتخانه‌ها از دید آنها بسیار مهم خواهد بود. همچنین براساس اظهار نظر آنها نگاه جامعه به معلم و نقش معلمی در شکل‌گیری منزلت آنها تأثیرگذار است. طبق اظهار نظر نمونه پژوهش در جامعه برخی از مشاغل جایگاهی والاتر نسبت به شغل معلمی داشته و از حقوق و مزایا، منزلت اجتماعی و امکانات رفاهی بالاتری برخوردار بوده‌اند. براساس اظهار نظر معلمان از جمله عوامل مؤثر و مرتبط با منزلت معلمان ذهنیت جامعه است. نقش، منزلت و شایستگی معلمان و خواسته‌ها و انتظاراتی که از آنها می‌رود امری جدایی‌ناپذیر از ماهیت و پویایی جامعه است. عوامل متعددی در این مورد می‌تواند مورد بررسی قرار بگیرد که شامل مسائلی مانند نرخ رشد بالای جمعیت، فقر، بیسوادی گسترده، نابرابری جنسی شدید، فاصله دائمی شهر از روستا، قابلیت در امور مربوط به تدوین، اجرا و ارزیابی سیاستهای عمومی و همچنین استفاده موثر از منابع در دسترس است (انور شیخ و ظفر اقبال،<sup>۱</sup> ۲۰۰۳). تحقیقات نشان می‌دهد که معلمان در همه کشورهای اروپایی دارای منزلت اجتماعی بالایی هستند (مختاری، ۱۳۷۲).

یکی دیگر از جنبه‌های در نظر گرفتن منزلت، توجه یا اعتماد عمومی نسبت به معلمان در جامعه است. برخی از نشانه‌های نگرش اجتماعی و فرهنگی نسبت به معلمان در حال حاضر از طریق تجارب شخصی معلمان که قبلاً ذکر شد مشاهده شده‌اند. یافته‌های پژوهشی در داخل ایران، نیز بر خدشه وارد شدن به منزلت اجتماعی معلمان، صحنه می‌گذارد. مثلاً قاسمی نژاد و اسماعیلی

(۱۳۸۳) در پژوهش خود، موقعیت اجتماعی معلمان را پایین ارزیابی کرده اند. همچنین، نتایج پژوهش علیزاده و رضایی (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که حرفه معلمی، منزلت اجتماعی متوسط رو به بالا دارد و این جایگاه تحت تأثیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان نیست. مطالعه روند منزلت اجتماعی حرفه معلمی نشان می‌دهد جایگاه این حرفه در دوره‌های سی ساله رو به کاهش بوده است. همچنین، از دیدگاه برخی از معلمان منزلت در نتیجه دخالت مدیران کاهش پیدا می‌کند. یکی دیگر از جنبه‌های در نظر گرفتن منزلت معلمان، رتبه بندی معلمان عنوان شده است. همچنین یافته‌های مربوط به کشورهای اروپایی بیانگر این است که حرفه معلمی منزلت اجتماعی رو به بالایی دارد (دینهام و اسکات، ۲۰۰۰؛ به نقل از علیزاده و رضایی، ۱۳۸۸). در کشورهایی مانند آمریکا (هویل، ۲۰۰۱) حرفه معلمی، نسبت به حرفه‌هایی مانند حسابداری، منزلت و احترام بالاتری دارد. از دید برخی از معلمان امنیت شغلی و اقتصادی دارای اهمیت است. هر شاغلی وقتی که احساس امنیت کند با کار و محیط کاری خود ارتباط روانی مثبتی برقرار می‌کند این احساس امنیت که دارای ابعاد مختلف است باید واقعی باشد. هر نشانه ناامنی، تهدیدی بزرگ برای حرفه معلم است. امنیت شغلی یعنی هر شاغل به درجه‌ای از اطمینان برسد که بداند استمرار این شغل نخست پاسخگوی نیازهای خانواده او خواهد بود، یعنی امنیت اقتصادی. دوم امنیت اجتماعی است، یعنی یک معلم از اینکه به خانواده معلمان تعلق دارد احساس مثبت داشته باشد و بداند که مورد حمایت همکاران خود قرار دارد و سوم اینکه احساس امنیت منزلتی داشته باشد یعنی او مطمئن باشد که احساس کرامت و ارزشمندی او مورد تهدید قرار نمی‌گیرد. بعد دیگر امنیت، امنیت فیزیکی است که مربوط به شرایط محیطی کار و شرایط اجتماعی کار است. به این معنی که سلامت و تندرستی او تضمین شود و جان او مورد تهدید دانش آموزان و اولیا قرار نگیرد. ارتقای منزلت اجتماعی و سازمانی معلمان با حرفه‌ای و تخصصی شدن شغل معلمی، اشتغال تمام وقت معلمان، بازنگری اساسی در نظام پرداخت حقوق و مزایا و ارائه تسهیلات و امکانات رفاهی و معیشتی امکان پذیر است. کنترل بیش از حد جامعه یکی دیگر از مضامینی است که معلمان به عنوان منزلت مطرح کرده اند.

ناچیز بودن سهم آموزش و پرورش از بودجه عمومی کشور به نسبت جمعیت تحت پوشش آموزش کشور و همچنین، ناچیز بودن حق الزحمه معلمان در ازای فعالیت آموزشی و پرورشی که دارند در مقایسه با سایر اقشار و گروههای جامعه از نشانگرهای این مضمون اند. در دومین

گردهمایی سازمان بین الملل کار<sup>۱</sup> در زمینه شرایط کار معلمان این نتیجه حاصل شد که موفقیت معلمان (در برخی از کشورها) به مرحله ای فوق العاده پایین تنزل کرده است (به نقل از مهرمحمدی، ۱۳۷۹). شواهد موجود حاکی از آن است که وضعیت منزلت اجتماعی معلمان در ایران نیز سوال بر انگیز است. این یافته با مطالعات افرادی چون علیزاده و رضایی (۱۳۸۸) در زمینه بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی بر منزلت اجتماعی معلمان همسو نیست. معلمان همچنین عدالت فردی و سازمانی و توزیع امکانات را نیز به عنوان مضمون پایه در منزلت عنوان کرده اند. عدم حضور فرهنگیان در عرصه برنامه ریزیها، ساختار تصمیم سازیها و تصمیم گیریهای مهم کشور و همچنین تضعیف روند شکل گیری نهادهای مدنی به طور عام و نهادهای معلمان به طور خاص از مواردی است که به نظر معلمان سبب عدم رعایت عدالت فردی و سازمانی می شوند.

در پایان نویسندگان اذعان دارند که تدوین و اعتباریابی الگوی بومی منزلت معلمان در نظام آموزش و پرورش کشور در واقع مفهوم پردازی آغازین در زمینه یکی از موضوعات چالش برانگیز نظام آموزشی کشور به شمار می رود. توجه جدی به ارتقای منزلت معلمان به منزله یکی از ارکان نظام آموزشی کشور مشکلی دیرین و دیرپاست که توجه بسیاری از مراجع سیاستگذاری را به خود معطوف داشته است. این عطف توجه زمانی اهمیت دو چندان می یابد که توجه شود مواجهه، برخورد و مدیریت این پدیده در نظام آموزشی، کیفیت عملکرد نظام آموزشی را تحت تاثیر قرار داده و خواهد داد.

در مجموع، براساس یافته های پژوهش حاضر پیشنهاد می شود که ضمن توجه به وضعیت معیشتی و رفاهی معلمان، به ارتقای مهارتهای شغلی و حرفه ای آنان توجه شود. این اولین بار نیست و آخرین بار نیز نخواهد بود که شواهد پژوهشی بر ارتقای منزلت معلمان به منزله یکی از ارکان نظام آموزشی کشور تاکید می کنند. از این رو پیشنهادهای زیر به منظور بهبود جایگاه و منزلت معلمان در جامعه ارائه شده است:

- الگوی پیشنهادی این پژوهش به منزله مبنایی برای ارزیابی منزلت معلمان در مدارس کل کشور مورد استفاده قرار گیرد.
- برنامه های بهسازی نظام آموزشی، احراز صلاحیتهای حرفه ای را در بدو ورود و در طول خدمت معلمان در نظر بگیرند.

## منابع

- افلاکی فرد، حسین. (۱۳۸۰). بررسی منزلت اجتماعی معلم در نظام تعلیم و تربیت اسلامی از آرمان تا واقعیت. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی.
- رضوانی، محمود. (۱۳۷۳). ضرورت شناخت نیازهای معلمان و تاثیر آن در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. گزارش طرح پژوهشی، اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی.
- سرمد، غلامعلی؛ کریمزاده، صمد و کولیوند، معصومه. (۱۳۹۰). بررسی منزلت اجتماعی معلمان از دیدگاه دانش آموزان دوره های راهنمایی تحصیلی و متوسطه. فصلنامه پژوهش اجتماعی، ۴(۱۱)، ۸۰-۹۵.
- علیزاده، ابراهیم و رضایی، علی محمد. (۱۳۸۸). بررسی منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبستان و آموزگار دبستان) و تغییرات آن در طول سه دهه گذشته. فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۸(۲۹)، ۷-۲۶.
- قاسمی نژاد، احمد و اسماعیلی، رضا. (۱۳۸۳). بررسی شأن و موقعیت اجتماعی معلمان از دیدگاه دانش آموزان مدارس راهنمایی تحصیلی و متوسطه اصفهان. فصلنامه آموزه، ۲۳(۲۳)، ۴۲-۴۷.
- کاظمی پور، شهلا. (۱۳۸۳). نگرش مردم درباره منزلت مشاغل در ایران و ارزیابی میزان ارتباط آن با ویژگی های اجتماعی اقتصادی افراد. تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- مختاری، سید احمد. (۱۳۷۲). نحوه تجلیل از مقام معلم در پیشبرد اهداف برنامه های پژوهش در دبستان های استان مرکزی. گزارش طرح پژوهشی، اراک، اداره کل آموزش و پرورش استان مرکزی.
- مهرمحمدی، محمود. (۱۳۷۹). تربیت معلم اولویت جنبش جهانی برای بهسازی و تربیت معلم. پژوهشکده تعلیم و تربیت، وزارت آموزش و پرورش.
- میچل، ترنس آر. (۱۳۸۳). مردم در سازمانها: زمینه رفتار سازمانی، (ترجمه حسین شکرکن)، چاپ سوم. تهران: انتشارات رشد.

نویدی، احد و برزگر، محمود. (۱۳۸۲). راههای ارتقای منزلت اجتماعی معلمان. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۱۹(۲)، ۵۵-۱۰۰.

- Anwar Sheikh, M., & Zafar Iqbal, M. (2003). *Status of teachers in Pakistan*. UNESCO Office: Islamabad.
- Creswell, J. W., & Plano Clark, V. L. (2007). *Designing and conducting mixed methods research*. Thousand Oaks, CA: Sage
- Day, C. (2004). *A passion for teaching*. London: Routledge Falmer.
- Elliot, B., & Crosswell, L. (2001). *Commitment to teaching: Australian perspectives on the interplays of the professional and the personal in teachers' lives*. Paper presented at the International Symposium on Teacher Commitment at the European Conference on Educational Research, Lille, France.
- Fwu, B.-J., & Wang, H.-H. (2002). The social status of teachers in Taiwan. *Comparative Education*, 38(2), 211-224.
- Hargreaves, L. (2009). The status and prestige of teachers and teaching. In L.J. Saha & A.G. Dworkin (Eds.), *International handbook of research on teachers and teaching* (pp. 217-229). New York, NY: Springer Science and Business Media.
- Hargreaves, L., Cunningham, M., Everton, T., Hansen, A., Hopper, B., McIntyre, D., ...

- & Turner, P. (2007). *The status of teachers and the teaching profession in England: Views from inside and outside the profession*. University of Cambridge, Faculty of Education and Department of Media and Communication, University of Leicester.
- Hoyle, E. (2001). Teaching: Prestige, status and esteem. *Educational Management and Administration*, 29(2), 139-152.
- Ingersoll, R. M., & Merrill, E. (2011). The status of teaching as a profession. In J. Ballantine & J. Spade (Eds.), *Schools and society: A sociological approach to education* (pp. 185-189) 4th Ed. CA: Pine Forge Press/Sage Publications.
- Jehangir Shah, Arshad Ali, & Itabar Khan (2012). A critical appraisal of the social status of teachers in Peshawar, Capital of Khyber Pakhtunkhwa, Pakistan. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 2(1), 176-186.
- McCoach, D. B., & Colbert, R. D. (2010). Factors underlying the Collective Teacher Efficacy Scale and their mediating role in the effect of socio-economic status on academic achievement at the school level. *Measurement and Evaluation in Counseling and Development*, 43(1), 31-47.
- Meyer, J. P., & Allen, N. J. (1997). *Commitment in the workplace: Theory, research and application*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Mowday, R. T., Steers, R. M., & Porter, L. W. (1979). The measurement of organizational commitment. *Journal of Vocational Behavior*, 14(2), 224-247.
- Woolfolk Hoy, A., Hoy, W. K., & Kurz, N. M. (2008). Teachers' academic optimism: The development and test of a new construct. *Journal of Teaching and Teacher Education*, 24(4), 821-835.

